

درس اوّل (شماره صفحه ها از کتاب عربی ۱۲ مشترک چاپ ۹۷ است)

۱- «أصيبت الشعوب المختلفة في دينهم بالخرافات على مرّ العصور، ولكنّ الأنبياء بينوا لهم الدّين الحقّ!»: ص ۲ / عمومی انسانی خارج ۹۸

(۱) در گذر زمان دین ملت‌های مختلف به خرافه‌هایی آمیخته شد، اما پیامبران آنها دین حق را برایشان بیان کردند!

(۲) ملل مختلفی دین‌هایشان به خرافه‌هایی در طول زمانها آمیخته گردید، ولیکن بیان دین حق، توسط پیامبران بود!

(۳) با گذشت عصرها، ملت‌های مختلف در دین خود دچار خرافات شدند، اما پیامبران دین حق را برای آنها روشن کردند!

(۴) ملت‌های مختلفی در دین خود، با گذر زمان دچار خرافه گردیدند، ولی پیامبران دین حق را برایشان آشکار می کردند!

۲- «لا قوّة تُقدر أن تُنقذنا من خرافات نعيش معها إلاّ التفكّر!»: ص ۲ و ۳ / تجربی ۹۸

(۱) هیچ نیرویی که بتواند زندگی ما را از خرافه‌هایی که به آن زنده ایم، برهاند، جز اندیشه نیست!

(۲) جز تفکر، قدرتی نیست که قادر باشد ما را نجات بدهد از اینکه با خرافات زندگی نمائیم!

(۳) فقط قدرت اندیشیدن است که می تواند ما را از خرافه‌هایی نجات دهد که با آن زنده ایم!

(۴) نیرویی که می تواند ما را از خرافاتی که با آن زندگی می کنیم، رها سازد، فقط تفکر است!

۳- «لا شيء أحسن من النقوش والرّسوم و التماثيل ليُشجعنا إلى كشف الحضارات القديمة!»: ص ۲ و ۸ / هنر ۹۸

(۱) هیچ چیزی بهتر از نقوشها و نقاشیها و مجسمه‌ها نیست برای اینکه ما را به کشف تمدن‌های قدیم تشویق می کند!

(۲) چیزی بهتر از نقوش و رسمها و تماثلا وجود ندارد که ما را به یافتن تمدن‌های قدیم ترغیب کرده باشد!

(۳) هیچ چیزی نیست که بهتر از نقوشها و نقاشیها و تندیسها ما را به کشف تمدن‌های قدیم تشویق کند!

(۴) چیزی نیست که ما را به کشف تمدن‌های قدیم بهتر از نقوش و نقاشیها و تماثلا ترغیب کرده باشد!

۴- «عین الصّحيح (بالنظر إلى تأکید الجملة): ص ۵ / ریاضی خارج کشور ۹۸

(۱) إنّ الفخر للإنسان الذي له عقلٌ ثابت: فخر برای انسانی است که بی گمان دارای عقلی ثابت است!

(۲) إنّ وعاء العلم لا يضيّق بكلّ ما جُعِل فيه: بطور قطع ظرف علم با هر آنچه در آن قرار داده شود، تنگ نمی شود!

(۳) إنّ الناس يمرّون بجوار الأشجار التي ينتفعون بها: مردم از کنار درختانی که از آنها سود می برند، قطعاً عبور می کنند!

(۴) إنّ غصون بعض الأشجار تنكسر من ثقل وزن ثمارها: شاخه‌های برخی درختان از سنگینی وزن میوه‌هایش بدون شک شکسته می شود!

۵- «عین الصّحيح: ص ۶ / ریاضی ۹۸

(۱) ليتني رأيتُ جميع الكتب: کاش همه کتابها را ببینم!

(۲) ليت الامتحان قد انتهى! کاش امتحان تمام شود!

(۳) لعلّ الخیر قد نزل علينا: شاید خیر بر ما نازل شود!

(۴) لعلّ الصّبر يُنقذنا! شاید پایداری نجاتمان دهد!

۶- «ليت الطالب يعرفون أنّ الطالب المجتهد يقدر أن يُعوض قلة استعداده بالاجتهاد!»: ص ۶ / اختصاصی انسانی خارج کشور ۹۸

(۱) شاید دانشجویان بدانند که دانشجوی کوشا می تواند کم بودن استعدادش را با تلاش جبران نماید!

(۲) ای کاش دانش آموزان بدانند که دانش آموز کوشا می تواند کمی استعدادش را با تلاش جبران کند!

(۳) شاید دانش آموزان بفهمند که دانش آموز تلاشگر توانایی دارد که کم بودن استعداد را با تلاش جبران نماید!

(۴) ای کاش دانشجویان می فهمیدند که دانشجوی تلاشگر توانمند است که کمی استعدادش را با تلاش جبران کند!

۷- «ما يزيد صبرنا في أمور لا طاقة لنا بها، هو الإيمان بالله!»: ص ۸ / عمومی انسانی داخل ۹۸

(۱) آنچه صبر ما را در اموری که هیچ توانی برای آنها نداریم، می افزاید، همان ایمان به الله است!

(۲) صبر ما در کارهایی که طاقتش در ما نیست، زیاد نمی شود، بلکه آن در ایمان به الله است!

(۳) صبر در کارهایی که توان آنها در ما نیست قدرت ما را زیاد نمی کند، بلکه آن ایمان به خداست!

(۴) چیزی که صبر ما را می افزاید، اموری است که هیچ طاقت آن را نداریم که همان ایمان به خداست!

- ٨- «كُلُّ النَّاسِ سِوَاءٌ وَمَا هُمْ سِوَى لَحْمٍ وَعِظْمٍ وَعَصَبٍ لَأْمٍ وَلَأْبٍ، وَالْجَهَالُ يَفْتَخِرُونَ بِنَسَبِهِمْ!»: ص ١١ / اختصاصى انسانی داخل ٩٨
- (١) همه مردم برابرند و جز گوشت و استخوان و پی از یک پدر و مادر نیستند، در حالی که نادانان به نسب خود افتخار می کنند!
- (٢) همه مردم با هم برابرند و چیزی جز گوشت و استخوان و پی از پدر و مادرشان نیستند، حال آنکه نادان مفتخر به نژاد خود است!
- (٣) مردم همگی با هم برابرند و جز گوشت و استخوان و عصبی از پدر و مادرشان نیستند، اما نادان به نسب خود فخر می فرود!
- (٤) مردم همگی یکی هستند از گوشت و استخوان و عصب و از یک پدر و مادر، اما نادانان به نژاد خود افتخار می کنند!
- ٩- «كاش همه شهرهای کشورم را می دیدم»: ص ٦ و ٧ / ریاضی خارج کشور ٩٨
- (١) لعنني أشاهد مدن بلادي جميعاً!
(٢) ليتني أنظر كل المدن في بلادي!
- (٣) لعنني كنت أنظر مدن بلادي كلها!
(٤) ليتني كنت أشاهد جميع مدن بلادي!
- ١٠- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْجُزْءِ الَّذِي قَدْ أُكِّدَ: ص ٥ / هنر ٩٨
- (١) إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ! (الله)
(٢) احْمِنِي مِنَ الْحَادِثَاتِ حِمَايَةً! (ضمير الياء)
(٣) حَذَّرْتَنِي تَجَارِبُ الْحَيَاةِ تَحْذِيرًا! (تجارب الحياة)
(٤) إِنَّ الْعِلْمَ يَرْفَعُ الْإِنْسَانَ وَيُكْرِمُهُ! (الجملة بأجمعها)
- ١١- عَيْنُ مَا لَا نَرَجُو وَقُوعَهُ: ص ٦ / زبان خارجه ٩٨
- (١) لعل الفوز حليفك في الدنيا!
(٢) كأن الخير ينزل عليك قريباً!
(٣) ليت النجاح يتحقق في حياتك!
(٤) يدعي أنه كريم لكن الواقع لا يؤيد ذلك!
- ١٢- عَيْنُ مُضَارِعًا لَيْسَ مُعَادِلًا لِلتَّزَامِيِّ الْفَارْسِيِّ: ص ٦ / ریاضی ٩٨
- (١) أمرنا بأن لا نغضب، ولكننا نغضب، وهذا الأمر شائع بيننا!
(٢) لعل الإنسان يعرف الحضارات من خلال الكتابات و التماثيل!
(٣) كأن هذا الجبل أعلى من بقية الجبال، ليتني أصدق إلى رأسه!
(٤) ليتنا نقرأ آراء عدة كتاب حول هذا الموضوع لنأخذ نتيجة صحيحة!
- ١٣- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ: ص ٨ / ریاضی ٩٨
- (١) لآحياء و عفاف و أدب إلا لعقل ثابت!
(٢) لا العزة إلا لربنا الرحيم الذي له كل شيء!
(٣) لا أتذكر زمانَ ذهابنا إلى تلك الجولة العلمية!
(٤) لآشعب من شعوب العالم إلا و له طريقة للعبادة!
- ١٤- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ: ص ٨ / اختصاصى انسانی خارج کشور ٩٨
- (١) لا اليوم كيوم البعث، لا نعلم أسراره!
(٢) لا فقراً أسوأ من الجهل، يفني عمرنا!
(٣) لا فصل كالربيع، الأشجار فيه نضرة!
(٤) لا قدرة أقوى من العقل لحل مشاكلنا!
- ١٥- عَيْنُ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَكْمَلُ جُمْلَةً مَا قَبْلَهَا: ص ٦ / تجرئى ٩٨
- (١) إِنَّ الْعِلْمَ أَحْسَنُ مِنَ الْمَالِ،
(٢) نعلم أن للعالم أصدقاء كثيرين،
(٣) ولكن لصاحب المال أعداء كثيرين،
(٤) هذا هو الفرق بين العلم و المال!
- ١٦- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: تركيبي / هنر ٩٨
- (١) أمرهم ذو القدرين بأن يأتوا بالحديد و النحاس! عربى ١٠ ص ٦٣
(٢) علق إبراهيم (ع) الفأس على كنف أصغر الأصنام! عربى ١٢ ص ٤
(٣) أتذكر خيام الحجاج في منى و عرفات و رمي الجمرات! عربى ١٢ ص ١٧
- ١٧- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: تركيبي / زبان خارجه ٩٨
- (١) لَمَا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً! عربى ١٢ ص ٣
(٢) الكأس زجاجة يشرب فيها الماء أو الشاي أو القهوة! عربى ١٠ ص ٩٨
(٣) ازدادت هذه الخرافات في أديان الناس على مر العصور! عربى ١٢ ص ٢
(٤) قرر أربعة طلاب أن يغيبوا عن الامتحان فأتصلوا بالأستاذ! عربى ١١ ص ٥٦

درس دوم

۱۸- «صَعِدَ الزَّوَارُ كُلُّهُمْ جَبَلُ الثَّوْرِ لزيارة غار حراء إِلَّا من لم يقدرُوا على الصُّعُودِ!»: ص ۱۸ و ۳۴ / تجرّبی ۹۸

- (۱) همه زوآر برای دیدار غار حراء در کوه نور، از آن بالا رفتند مگر آن کسی که نمی توانست بالا برود!
 - (۲) زائران همگی برای زیارت غار حراء از کوه نور بالا رفتند مگر کسانی که برای صعود قدرت نداشتند!
 - (۳) همه زائران بخاطر زیارت غار حراء کوه نور را در نوردیدند جز آنها که قدرت بالا رفتن نداشتند!
 - (۴) زوآر همگی به دیدن غار حراء از کوه نور صعود می کنند جز آن کس که نمی تواند صعود کند!
- ۱۹- «لَمَّا وَصَلْتُ إِلَى الْمَلْجَأِ الْمُقَدَّسِ الَّذِي كَانَ يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ رَأَيْتُ أَنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَيْهِ إِلَّا من لَهِم قُوَّةٌ أَكْثَرُ!»: ص ۱۸ و ۳۴ / هنر ۹۸
- (۱) وقتی به پناهگاه مقدّس که بالای کوه بلندی قرار داشت رسیدم دیدم که فقط کسانی که قدرت بیشتری دارند به آن می رسند!
 - (۲) هنگامی که به آن پناهگاه مقدّس که بالای کوهی بلند واقع است رسیدم، دیدم کسانی که نیروی بیشتر دارند تنها به آن می رسند!
 - (۳) هنگام رسیدن به پناهگاه مقدّسی که در بلندی کوه مرتفع واقع است، دیدم فقط کسانی که قدرت بیشتری دارند، به آن می رسند!
 - (۴) وقتی به آن پناهگاه مقدّس رسیدم که در بلندی کوه مرتفعی قرار داشت، کسی را ندیدم که به آنجا برسد مگر کسانی که نیروی بیشتری داشتند!

۲۰- ﴿لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ...﴾: ص ۲۲ / زبان خارجه ۹۸

- (۱) سستی نکنید و غمگین مشوید زیرا شما برتر هستید ...
 - (۲) سست مشوید و غم مخورید در حلیکه شما هستید برتران ...
 - (۳) شما را «وهن» دست ندهد و دچار حزن نشوید چه شماید برتران ...
 - (۴) دچار «وهن» و سستی نشوید و غم مخورید چه برتر از همه شماید ...
- ۲۱- ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً، فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ...﴾: مردمان ص ۲۲ / ریاضی خارج کشور ۹۸
- (۱) امتی واحد بودند، پس خداوند پیامبران را مژده آور مبعوث کرد ...
 - (۲) امت یگانه ای بوده اند، آنگاه خداوند پیامبرانی هشدار دهنده فرستاد ...
 - (۳) ابتدا امت واحد بودند، سپس الله پیامبرانی را هشدار دهنده برانگیخت ...
 - (۴) در آغاز امتی یگانه پرست بوده اند، آنگاه الله پیامبرانی را مژده دهنده برانگیخت ...

۲۲- ﴿إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...﴾: ص ۲۲ / ریاضی ۹۸

- (۱) ولی شما فقط الله است و رسول او و کسانی که ایمان آورده اند ...
- (۲) همانا ولی شما خداوند است و پیامبرش و هرکس ایمان بیاورد ...
- (۳) سرور شما بدون شک الله است و پیامبر و آنکه ایمان آورده است ...
- (۴) بدرستی که خداوند سرور شما است و رسول او و کسی که ایمان آورده است ...

۲۳- ﴿... الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾: ص ۲۲ / هنر ۹۸

- (۱) آنها که در حال رکوع کردن نماز می گزارند و زکات می دهند!
- (۲) کسانی که اقامه نماز می کنند و زکات می دهند و در حال رکوع هستند!
- (۳) آنان که نماز را اقامه می کنند و در حال رکوع کردن زکات خود را می پردازند!
- (۴) کسانی که نماز را بر پا می دارند و در حالی که در رکوع هستند زکات را می دهند!

۲۴- ﴿إِنَّهَا منْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ، تَغْذِيهَا صِعْبَةٌ عَلَى الْهَوَاةِ لِأَنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ صَيْدَهَا حَيًّا!﴾: ص ۲۸ / ریاضی ۹۸

- (۱) آن از ماهیهای عجیبی است که تغذیه اش برای علاقمندان سخت است برای اینکه دوست دارد شکار زنده بخورد!
- (۲) او از شگفت ترین ماهیانی است که برای علاقمندان، غذا دادنش سخت است زیرا او خوردن زنده شکار را دوست دارد!
- (۳) او از ماهیان شگفت آوری است که برای علاقمندان، تغذیه اش سخت دشوار است زیرا زنده خوردن صید را دوست دارد!
- (۴) آن از عجیب ترین ماهیهاست، غذا دادن به او برای علاقمندان دشوار است زیرا دوست دارد که صید خود را زنده بخورد!

۲۵- «من ابتعد عن الأميال النفسانية شاباً و أقبل على العلوم النافعة، فلعلَّ قلبه يُملأ إيماناً!»: ترکیبی ۱۰ مجهول و ۱۱ شرط و ۱۲ لعل و شاباً / هنر ۹۸

- (۱) هرکس از تمایلات نفسانی جوانی دور شود و به علوم سودمند روی کند، شاید قلبش از ایمان پر شود!
- (۲) اگر کسی در جوانی، از خواهشهای نفسانی دوری کند و به علوم سودمندی روی بیاورد، شاید قلب خود را از ایمان پر بکند!
- (۳) کسی که در جوانی، از خواهشهای نفسانی دور شده به علوم سودمند روی بیاورد، امید آن است که قلب او از ایمان پر شود!
- (۴) هرکسی که از امیال نفسانی جوانی دوری کرده به علوم سودمند روی کند، امید است که قلب خویش را از ایمان پر کند!

۲۶- عین الصحیح: ص ۲۲ / ریاضی خارج کشور ۹۸

- (۱) رأبت معلماً مسروراً و هو یجیب علی أسئلة التلامیذ: معلّم را در حالی که خوشحال بود دیدم که به سؤالات دانش آموزان پاسخ می داد!
- (۲) حان (= جاء) وقت الامتحانات و أنتم غافلون عنها: زمان امتحانات فرارسید درحالی که شما از آن غافل هستید!
- (۳) دعوت صدیقی و هو یکتب رسالة: دوستم را دعوت کردم در حالی که نامه ای نوشته بود!
- (۴) یساعد الولد أمه مبتسمه: فرزند درحالی که خندان است به مادرش کمک می کند!

۲۷- «كان الطالب الناجح يُحصى أعماله الحسنة لأصدقائه و هو یذكر مشاكل كان قد تخلص منها!»: ص ۲۲ / عمومی انسانی خارج کشور ۹۸

- (۱) دانش آموزی که موفق بود کارهای خویش را برای دوستانش می شمرد حال آنکه مشکلاتی را که از آنها خلاص شده بود بیان می کرد!
- (۲) دانش آموز موفق کارهای خویش را برای دوستانش می شمرد در حالیکه مشکلاتی را که از آنها رهایی یافته بود بیان می کرد!
- (۳) دانش آموز موفق کارهای خویش را برای دوستانش می شمرد مشکلاتی را که از آنها رهایی یافته بود بیان می کرد!
- (۴) دانش آموز موفق کارهای خویش را برای دوستانش شمرد مشکلات را که از آنها رهایی یافته بود بیان کرده بود!

۲۸- عین الصحیح: ص ۴۷ و ۲۲ / عمومی انسانی خارج کشور ۹۸

- (۱) إن تجلسوا فی الصّف هادئین: اگر آرام در کلاس بنشینید،
- (۲) و تستمعوا إلی کلامی استماعاً: و سخنانم را به خوبی بشنوید،
- (۳) سأقرأ لکم بعض الآیات: بعضی آیات را برایتان می خوانم،
- (۴) لا تأخذون منها إلا العبرة المؤثرة: که از آنها عبرتهای تأثیر گذار می گیرید!

۲۹- «عین الصحیح: ص ۲۲ و ۲۰ / عمومی انسانی داخل ۹۸

- (۱) لهما ما وجدت البنات أمهن حیة نحن علیها: دختران هنگامی که مادر خود را زنده نیافتند، بر او شیون کردند!
- (۲) لا أحد یأتیک فی حاجة فترده خائباً: کسی نیست که با خواسته هایش نزد تو بیاید و تو او را ناامید بر گردانی!
- (۳) من ذاق حبک دنا إلیک و هو یخاف منک: کسی که عشق تو را چشید در حالی که از تو می ترسد به تو نزدیک است!
- (۴) الکذاب یتظاهر بالصدق و إن یتظاهر بالکذب فی وجهه: دروغگو تظاهر به راستگویی می کند اگر چه دروغ از چهره اش نمایان بوده است!

۳۰- عین الجملة التي لیست فیها الحال: ص ۲۰ و ۲۲ / عمومی انسانی خارج کشور ۹۸

- (۱) یصبح الناس مسرورین فی فصل الربیع بعد مشاهدة الطیعة الخضراء!
- (۲) إن یصنع المهندسون البیوت محكمة لا تهدد الحوادث أكثر المدن!
- (۳) قد نری تداخل روابط الإنسان و البیئة و هو مضر للطیعة!
- (۴) إن التلمیذ الذی لا یطالع دروسه و هو یفهمها لیس ناجحاً!

۳۱- عین ما فیہ الحال: ص ۲۲ / ریاضی ۹۸

- (۱) جاء لنا مدعوون کثیرون هم تناولوا الطعام فی ساعة متأخرة!
- (۲) جاء ضیوف کثیرون و جاء صاحب البيت و استقبلهم بحفاوة!
- (۳) جاء الضیوف الكثیرون و هم یتکلمون عن ذکریات الضیافة!
- (۴) جاء لنا المدعوون الكثیرون حین کنا نتکلم مع أصدقائنا!

۳۲- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: ترکیبی / ریاضی خارج کشور ۹۸

- (۱) هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا! عربی ۱۰ ص ۷۴
 - (۲) حِينَ زُرْتُ أَنَا وَأُمُّكَ هَاتَيْنِ الْمَدِينَتَيْنِ الْمُقَدَّسَتَيْنِ! عربی ۱۲ ص ۱۶
 - (۳) كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَمِثُ إِلَى الْوَرَاءِ! عربی ۱۱ ص ۱۸
 - (۴) أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِنْشَاءً تَحْتَ عُنْوَانٍ «فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ»! عربی ۱۱ ص ۱۸
- ### ۳۳- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: ترکیبی / عمومی انسانی داخل ۹۸
- (۱) يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِأَحْتِبَالِهِ! عربی ۱۱ ص ۶۱
 - (۲) لِكُلِّ اخْتِرَاعٍ عِلْمِيٍّ وَابْتِكَارٍ وَجْهٌ نَافِعٌ وَوَجْهٌ مُضِرٌّ! عربی ۱۲ ص ۲۰
 - (۳) يَتِمُّ التَّوَاؤُنُ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ خِلَالِ وُجُودِ رَوَابِطِ مُتَدَاخِلَةٍ! عربی ۱۲ ص ۴۸
 - (۴) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشِرُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلِيمًا! عربی ۱۰ ص ۳۶

درس سوم

۳۴- «يَكُونُ لِلْكِتَابِ وَقْرَاءَةِ الْكُتُبِ دَوْرٌ مَهْمٌ فِي ازدياد المعرفة و قوّة الفهم، و رُبَّمَا يُعَيِّرُ أَسْلُوبَ الْحَيَاةِ!»: ص ۳۱ / هنر ۹۸

- (۱) کتاب و کتاب خواندن نقشی مهم در ازدیاد شناخت و قوّة درک دارد و باعث تغییرات در روش زندگی می شود!
- (۲) برای کتاب و کتاب خوانی نقشی مهمی است در زیادی معرفت و نیروی فهم و بسا که با آن روش زندگی تغییر کند!
- (۳) برای کتاب و کتاب خواندن نقشی مهم در ازدیاد معرفت و قوّة درک است و چه بسا روشهای زندگی را تغییر دهد!
- (۴) کتاب و کتاب خوانی نقشی مهمی در زیاد شدن شناخت و نیروی فهم دارد، و چه بسا روش زندگی را تغییر دهد!

۳۵- عَيْنُ الصَّحِيحِ: ص ۳۰ و ۳۱ و ۳۵ / هنر ۹۸

- (۱) غَضَّتْ عَيْنُهَا عَمَّا لَا يَرْضَى رُبَّمَا: چشمش را برهم نهاد از آنچه پروردگارش را راضی نمی کند!
- (۲) لَا يَضِيقُ وَعَاءُ الْعِلْمِ بَمَا جُعِلَ فِيهِ: ظرف علم به آن چیزی که در آن قرار داده شده، تنگ نمی شود!
- (۳) هُنَاكَ تَجَارِبُ أَنْفَعُ مِنْ كُتُبٍ قَرَأْنَاهَا: آنجا تجربه هایی است که مفیدتر از کتابهایی است که آنها را می خوانیم!
- (۴) الْقِرَاءَةُ لَا تُغْنِينَا عَنِ الْفِكْرِ عَلَى مَرِّ حَيَاتِنَا: خواندن در طول زندگی ما، از اندیشه کردن غنی کننده تر نیست!

۳۶- عَيْنُ الْخَطَا: ترکیبی دوازدهم / عمومی ریاضی خارج کشور ۹۸

- (۱) الْكُتَابُ: الْمَفْكُرُونَ الَّذِينَ يُؤَلِّفُونَ الْكُتُبَ! ص ۳۲
- (۲) الْوَعَاءُ: لَا يُصْنَعُ إِلَّا مِنْ خَشَبِ شَجَرَةِ الْجَوْزِ! ص ۳۵
- (۳) الْقِمَّةُ: رَأْسُ الْجِبَلِ الْمَرْتَفِعِ الَّذِي نَصْعَدُ إِلَيْهِ بِصُعُوبَةٍ! ص ۲۵
- (۴) الْخَيْمَةُ: غُرْفَةٌ تُصْنَعُ مِنَ الْقِمَاشِ الْخَاصِّ بِأَبْعَادٍ مُخْتَلِفَةٍ! ص ۱۷

۳۷- «سُقُوطُ جَوْجِهَها مَنْظَرَةٌ بَسِيَارٌ تَرَسَنَاكِي اسْت، و لِي گریزی از آن نیست!»: ص ۴۱ / هنر ۹۸

- (۱) السُّقُوطُ لِلْفَرَاخِ مِنَ الْمَنَاطِرِ الْمَرْعَبَةِ، وَلَكِنْ لَا يُمْكِنُ الْفَرَارُ مِنْهُ!
- (۲) السُّقُوطُ لِلْأَفْرَاحِ مِنْ مَشَاهِدِ مَرْعَبَةٍ كَثِيرًا، أَمَّا لَيْسَ فَرَارُ مِنْهُ!
- (۳) سُقُوطُ الْفَرَاخِ مَشْهُدٌ مُرْعَبٌ جَدًّا، وَلَكِنْ لَا فَرَارَ مِنْهُ!
- (۴) سُقُوطُ أَفْرَاحٍ مَنْظَرَةٌ مَخُوفٌ كَثِيرًا، أَمَّا لَا بُدَّ مِنْهُ!

۳۸- «إِنَّ الْإِنْسَانَ الَّذِي يَجِدُ طَعَامًا مَنَاسِبًا لِفِكْرِهِ سَتُصْبِحُ قُدْرَتُهُ لِلْفَهْمِ وَالْعَمَلِ أَكْثَرًا!»: ص ۳۰ و ۳۱ / عمومی انسانی داخل ۹۸

- (۱) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- (۲) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- (۳) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- (۴) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!

۳۹- «لا يترك من الأولاد والديهم إلا من يعتقد أنّهما ليسا بحاجة إليه و هما في صحّة!»: ص ۳۶ / عمومی انسانی داخل ۹۸

(۱) فرزندان والدین خودشان را ترک نمی کنند مگر معتقد به این باشند که آنها در سلامتند و نیاز به او ندارند!

(۲) از میان فرزندان فقط کسی والدین را ترک می کند که عقیده داشته باشد که آنان سلامتی دارند و نیازمند به او نیستند!

(۳) تنها کسی در میان فرزندان پدر و مادر را ترک می کند که بر این عقیده باشد که آنان به او نیازمند نیستند و در سلامتند!

(۴) از فرزندان فقط کسی پدر و مادرش را ترک می کند که معتقد باشد آنها به او نیاز ندارند و هر دو در سلامت هستند!

۴۰- «من لم يجد الجنة على الأرض لَن يحصل عليها في السماء، الجنة قربةٌ منّا و لا وسيلة للوصول إليها إلا الأعمال الحسنة!»:

(۱) هرکس بهشت را روی زمین نیابد آن را در آسمان نخواهد یافت، بهشت نزدیک ماست و فقط اعمال نیک وسیله رسیدن به آن است!

(۲) کسی که بهشت روی زمین را نیافت آن را در آسمان نخواهد یافت، این بهشت در نزدیکی ماست و هیچ وسیله ای جز اعمال حسنه ندارد!

(۳) هرکس بهشت روی زمین را پیدا نکرده، در آسمان هم پیدا نمی کند، بهشت در همین نزدیکی است و تنها اعمال حسنه وسیله رسیدن به آن است

(۴) کسی که روی زمین بهشت را پیدا نمی کند آن را در آسمان هم پیدا نمی کند، این بهشت نزدیک ماست و جز اعمال نیک هیچ وسیله ای

برای وصول به آن نیست!

ص ۳۶ / اختصاصی انسانی خارج کشور ۹۸

۴۱- عین الخطأ: ص ۳۶ / عمومی انسانی خارج کشور ۹۸

(۱) قد دخلت آلاف الكلمات المعربة من اللغات الأخرى في اللغة العربية! هزاران کلمات معرب از زبانهای دیگر به زبان عربی وارد شده است!

(۲) من ظنّ أنّه قد فاز في الدنيا بقول الكذب فهو الخاسر: کسی که گمان کند در دنیا با گفتار دروغ پیروز شده است، اوست زیانکار!

(۳) إنّ السمكات كانت تتساقط من السماء على الأرض كقطرات الماء: ماهیان چون قطرات آب از آسمان بر زمین می افتادند!

(۴) إنّ المتشائمين لا يحصلون من الحوادث إلا على تعبٍ بدنيان، از حوادث فقط رنج را دریافت خواهند کرد!

۴۲- عین الصّحيح: ص ۳۶ / اختصاصی معارف داخل ۹۸

(۱) ليس التفكر إلا عبادة: تفکر جز عبادت نیست!

(۲) ليس الغضب إلا مفسدة: مفسده جز غضب نیست!

(۳) لا يرحم ربنا إلا من يرحم الناس: پروردگارمان فقط رحم کننده به مردم است!

(۴) لا مجتهدة بين صديقاتنا إلا أختك: فقط خواهر تو بین دوستانمان کوشا نیست!

۴۳- «ما درختانی می کاریم تا دیگران از میوه های آنها بخورند!»: عین الصّحيح: ۱۲ انسانی ص ۳۵ / عمومی انسانی داخل ۹۸

(۱) نحن نغرس الأشجار حتى من ثمراتها يأكل الآخرون! (۲) نغرس نحن الأشجار لكي يأكل الآخرون من ثمارها!

(۳) نغرس نحن أشجاراً حتى آخرون يأكل من ثمراتها! (۴) نحن نغرس أشجاراً لكي يأكل من ثمارها الآخرون!

۴۴- عین ما فيه «الحصر»: ص ۳۴ و ۳۶ / تجربی ۹۸

(۱) لم نشاهد الأفلام من التلفاز إلا ما يفيدنا منها! (۲) ما صعدنا إلى الجبال المرتفعة إلا الأقوياء منّا!

(۳) ما أتذكر من أيام طفولتي إلا قصص أبي الجميلة! (۴) لم تلبع الأسماك صغارها في هذا القلم إلا سمكة واحدة!

۴۵- عین ما ليس فيه «الحصر»: ص ۳۴ و ۳۶ / زبان خارجه ۹۸

(۱) لا يبيّن الصراط المستقيم و الدين الحق إلا الرّسل المبشرون! (۲) ما أقام الوجهة للدين حنيفاً إلا من لا يكونن من المشركين!

(۳) ما حمل الفأس لكسر الأصنام إلا من اطمأنّ بعمله! (۴) لا يتعلّم الدرس أحد إلا الذي كان من المستمعين!

۴۶- عین المستثنى يختلف: ص ۳۴ و ۳۶ / ریاضی خارج کشور ۹۸

(۱) لا تتساقط من أعيننا إلا دموع الفرح!

(۳) كان الناس يمشون بسرعة إلا من في رجله ألم

۴۷- عین المستثنى منه محذوقاً: ص ۳۴ و ۳۶ / عمومی انسانی خارج کشور ۹۸

(۱) لا يُبیر عقل الإنسان في حياته شيء إلا العلوم النافعة!

(۳) لا تقّنتي بأحد ليكون لنا أسوة مناسبة إلا بالإنسان الكامل!

(۲) لم يخلق الله في الطبيعة إلا كل ما مفيد لجميع الكائنات!

(۴) لا يحافظ أكثر الناس على صحّتهم في الحياة إلا قليلاً منهم!

درس چهارم

۴۸- عَيْنُ الْخَطَا: ص ۵۱ / تجرئ ۹۸

- ۱) لا يقدر المتكبر الجبار أن يزرع بذر الحكمة في قلبه، : یک خود بزرگ بین ستمگر نمی تواند بذر حکمتی در قلب بکارد،
- ۲) لأن هذا القلب يُبنى من الصَّخْر، ولكن هذا الحكمة، : زیرا این قلب از صخره ها ساخته شده ، لیکن این حکمت،
- ۳) تَنبَت في قلب المتواضع و تَعمر فيه مدّة طويلة، : در قلب شخص فروتن می روید و در آن مدتی طولانی ماندگار می شود،
- ۴) كأن التواضع قرينُ العقلِ و التكبر دليلُ الجهل : گویی که تواضع همنشین عقل است و تکبر نشانه جهل!

۴۹- عَيْنُ الصَّحِيح : ترکیبی عربی ۱۱ و ۱۲ / تجرئ ۹۸

- ۱) إذا لا تكون مقتدرًا فالآخرون لا يسمعون كلامك : هرگاه مقتدر نبودی دیگران به سخن تو گوش نمی دهند! عربی ۱۱ ص ۲۲
- ۲) لا تُكْرَمَنَّ اللَّيْمَ لِأَنَّهُ يَتَمَرَّدُ تَمَرْدًا وَأَنْتَ تَبْأَسُ : هرگز انسان فرومایه را گرامی مدار برای اینکه او قطعاً نافرمانی خواهد کرد در حالی که تو مأیوس شده ای! عربی ۱۲ ص ۲۲ و ۴۷ و مفعول مطلق
- ۳) السكوتُ أجملُ كلامٍ قد يستطيع أن يُثير الشخص أكثر من كل شيءٍ آخر : سکوت زیباترین سخنی است که گاهی می تواند شخص را بیش از هر چیز دیگری برانگیزاند! عربی ۱۱ ص ۶ و ۴۷
- ۴) يُصاد الحوت ليستفيد الكيماويون من زيت كبده في صناعة مواد التجميل : نهنگها صید می شوند تا شیمی دانان از روغن کبد آنها در ساختن مواد آرایشی استفاده کنند! عربی ۱۲ ص ۵۳

۵۰- «يُستخرج زيتُ خاص من كبد الحوت و هو يُستعمل في صناعة مواد التجميل!» : ص ۵۳ / زبان خارجه ۹۸

- ۱) از کبد نهنگ روغنی خاص استخراج می شود که در ساختن مواد آرایشی بکار می رود!
- ۲) روغنی خاص را از کبد نهنگ استخراج می کنند که در صنعت مواد زیبایی بکار می رود!
- ۳) این روغن مخصوص را از جگر نهنگ استخراج می کنند که در ساختن مواد زیبایی کاربرد دارد!
- ۴) کاربرد این روغن مخصوص که از جگر نهنگ استخراج می شود در صنعت مواد آرایشی می باشد!

۵۱- عَيْنُ الْخَطَا: ص ۴۷ و ۴۸ / زبان خارجه ۹۸

- ۱) رَغِبْتَ في الصَّدقِ رَغْبَةً كَثِيرَةً: تو به صداقت، بسیار تمایل پیدا کردی!
 - ۲) يُجَاهِدُ الْمُؤْمِنُ فِي اللَّهِ مَجَاهِدَةً: مؤمن (ونه کس دیگر) حتماً در راه خدا تلاش می کند!
 - ۳) يَتَوَكَّلُ صَدِيقِي عَلَى رَبِّهِ تَوَكَّلَ الْمُؤْمِنِينَ: دوستم بر پروردگارش توکل می کند همچون توکل مؤمنان!
 - ۴) يبلغ المجتهد أمانه بلوغاً، و أنا كلُّ يوم أتمناه: انسان کوشا به آرزوهایش حتماً می رسد و من هر روز آرزوی آن را دارم!
- ۵۲- «أَيُّهَا الْمَوَاطِنُونَ؛ اهْتَمُوا بِنِظَافَةِ بَيْتِكُمْ اهْتِمَامًا بِالْعَا حَتَّى تَقْلَ مَهْدَدَاتِهَا!» : ای هموطنان؛ مفعول مطلق / عمومی انسانی خارج کشور

عربی ۱۲ انسانی ص ۵۹

- ۱) بیشتر به نظافت محیط زیست خود اهتمام ورزید تا اینکه تهدیداتش کم شود!
 - ۲) به نظافت محیط زیست خود بسیار توجه کنید تا تهدید کنندگان آن کم شود!
 - ۳) در تمیزی کردن محیط زیست خویش بیشتر سعی کنید تا تهدیدات آن اندک شوند!
 - ۴) برای تمیزی محیط زیست خویش سعی بسیار کنید تا تهدید کننده های آن اندک شود!
- ۵۳- «هَذَا النُّوعَانِ مِنَ السَّمَكِ كُلُّ مِنْهُمَا يَعِيشُ عَيْشَةً تُعْجِبُنَا!» : ص ۴۸ / عمومی انسانی خارج کشور ۹۸
- ۱) این دو نوع ماهی، هر یک از آنها به گونه ای زندگی می کند که ما را متعجب می کند!
 - ۲) این دو نوع از ماهیان، با یکدیگر طوری زندگی می کنند که ما را به شگفتی وا می دارد!
 - ۳) اینها، دو نوع از ماهیان هستند که هر یک از آنها زندگی ای می کند که تعجب ما را بر می انگیزد!
 - ۴) اینان، دو نوع ماهی هستند که زندگی هر یک از آن دو به گونه ایست که ما را به تحسین وا می دارد!

٥٤- عَيْنُ الْخَطَأِ: ص ٤٤ / اختصاصي معارف خارج کشور ٩٨

- (١) بدأ الحاكم يطوف الكعبة و الناس مزدحمون: حاكم شروع به طواف كعبه كرد در حالي كه مردم ازدحام کرده بودند! حال ص ٢٢
 (٢) فلم يقدر استلام الحجر لأن الناس لم يعرفوه معرفةً: پس نتوانست «حجر» را مسح كند زيرا مردم واقعا او را نشناخته بودند، مفعول مطلق ص ٤٧
 (٣) وعندما شاهد عالماً يستلمه و الناس يُعاونونه: و هنگامی كه عالمی را دید كه مردم به او كمك می كنند تا آن را مسح كند، حال ص ٢٢
 (٤) خاف خوفاً من أن يرغب الناس إلى ذلك العالم! بشدت ترسید از اینکه مردم به آن عالم متمایل شوند! مفعول مطلق ص ٤٧

٥٥- «خَفَّاشٌ تَهَا حَيَوَانٌ پستانداری است كه قادر به پرواز می باشد!»: ص ٥٢ / ریاضی ٩٨

- (١) الخَفَّاشُ الَّذِي حَيَوَانٌ لَبُونٌ وَ حَيِدٌ وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى الطَّيْرَانِ! (٢) الحَيَوَانُ الْوَحِيدُ اللَّبُونُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ هُوَ الْخَفَّاشُ!
 (٣) الخَفَّاشُ هُوَ الْحَيَوَانُ الْوَحِيدُ الَّذِي يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ! (٤) الْحَيَوَانُ الْوَحِيدُ هُوَ قَادِرٌ عَلَى الطَّيْرَانِ لَيْسَ الْخَفَّاشُ!

٥٦- «إِنْ رُحْتَ إِلَى أَيْبِكْ وَ قَبْلَتِهِ حُبًّا، فَرِحْتَ أَنْتِ وَ فَرِحْتَهُ فَرِحًا!»: اگر ص ٤٧ / اختصاصي معارف خارج کشور ٩٨

- (١) بطرف پدرت بروی و او را از روی محبت ببوسی، خودت شاد می شوی و او را واقعاً شاد می کنی!
 (٢) بطرف پدرت رفتی و او را با محبت بوسیدی، هم خود شاد می شوی و هم او را شاد می کنی!
 (٣) بسمت پدرت شتافتی و با گرمی او را بوسیدی، خودت خوشحال شده و او را واقعاً خوشحال می کنی!
 (٤) بسمت پدرت شتافته و او را با گرمی ببوسی، هم خود را خوشحال می کنی و هم او را خوشحال می کنی!

٥٧- عَيْنُ الْمَصْدَرِ لِإِيْبَيْنِ نَوْعِ الْفِعْلِ: ص ٤٧ و ٤٨ / ریاضی ٩٨

- (١) يَا أَصْدِقَاءَ أَوْفُوا بَعْدَكُمْ وَفَاءً جَمِيلًا!
 (٢) شَجَعْنَا أَصْدِقَاءَنَا فِي الْمَسَابِقَةِ تَشْجِيْعًا كَثِيرًا!
 (٣) إِنْ كُنْتَ تَلْمِيزًا عَاقِلًا فَلَا تُضَيِّعْ أَوْقَاتَكَ تَضْيِيعًا!
 (٤) إِنْ الْعَطَّارَ يَشْمُ رَائِحَةَ الْمَسْكِ شَمًّا دَقِيقًا وَ يَعْرِفُهُ!

٥٨- عَيْنٌ مَا فِيهِ تَأْكِيدُ الْفِعْلِ: ص ٤٧ / اختصاصي انسانی داخل ٩٨

- (١) خَيْرْنَا رَبَّنَا بِاخْتِيَارِ الْأَعْمَالِ مِنَ الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ!
 (٢) قَبْلَ الْأَبِّ الْعَادِلِ أَوْلَادِهِ وَ هُمْ يَقْبَلُونَ إِلَيْهِ!
 (٣) يَقْضُمُ الْجَرَادُ الْأَوْرَاقَ فِي فَمِهِ دَائِمًا وَ سَرِيعًا!
 (٤) لِأَنْرِيدَ أَنْ نَعْصِيَ اللَّهَ فِي أَعْمَالِنَا عَصِيَانًا!

٥٩- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ: ص ٤٧ و ٤٨ / عمومی انسانی خارج کشور ٩٨

- (١) أَعْطَى الْمَلِكُ الْفَلَّاحَ إِعْطَاءً يُعْجِبُهُ!
 (٢) يُصَدِّقُ قَوْلَ الصَّادِقِ دَائِمًا تَصْدِيقًا جَمِيلًا!
 (٣) تَحْضِنُ الْأُمُّ طِفْلَتَهَا فِي حَضْنِهَا مَحَبَّةً لَهَا!
 (٤) غَرَسَ الْفَلَّاحُ فَسِيلَةَ جَوْزٍ غَرَسًا لَا يَأْمَلُ أَكْلَهُ!

٦٠- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَقْصُودِ مِنَ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «يَكَادُ يَكُونُ زَمِيلِي شَاعِرًا عَظِيمًا!» ص ٤٤ / اختصاصي انسانی خارج کشور ٩٨

- (١) هُوَ الْآنَ كَذَلِكَ شَاعِرٌ عَظِيمٌ!
 (٢) إِمْكَانِيَّةٌ حُصُولُ الشَّاعِرِيَّةِ صَعْبٌ جَدًّا!
 (٣) هُوَ عَنِ قَرِيبٍ يُصْبِحُ شَاعِرًا عَظِيمًا!
 (٤) يُرِيدُ أَنْ يُصْبِحَ شَاعِرًا لَكِنَّهُ لَا يَسْتَطِيعُ!